

امید خراسانی‌ها به زندگی

چقدر است ؟

بیات |امید زندگی در بدو تولد عبارت است از متوسط تعداد سال هایی که انتظار می‌رود یک فرد از بدو تولد و تحت شرایط عادی مربوط به مرگ و میر فردی، عمر کند.
امید زندگی از شاخص های مهم جمعیتی است که در ارزیابی وضع توسعه یافتگی کشورها و مناطق به کار می‌رود.
امید زندگی در بدو تولد کشور در سال ۱۳۹۵ برابر با ۷۴٫۲ سال محاسبه شده است.
در همین سال استان های البرز و تهران به ترتیب با مقدار ۷۶٫۲ و ۷۶ سال بالاترین امید زندگی در بدو تولد را در بین استان های کشور داشته اند و پس از آن استان مازندران با مقدار ۷۵٫۲، استان های اصفهان و یزد هر کدام با مقدار ۷۴٫۹ سال در رده های بعدی قرار داشته اند.
کمترین امید زندگی نیز به ترتیب مربوط به استان های سیستان و بلوچستان با ۶۷٫۴ سال، خراسان شمالی با ۷۱٫۱ سال، ایلام با ۷۱٫۲ سال و هرمزگان با ۷۱٫۸ سال است.



امید زندگی مردان و زنان

امید زندگی در بدو تولد مردان و زنان در سال ۱۳۹۵ به ترتیب برابر با ۷۲٫۵ و ۷۵٫۵ سال محاسبه شده است.
در همین سال مردان استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۶۵٫۷ سال و زنان همین استان نیز با مقدار ۶۹٫۲ سال کمترین امید زندگی را در بین استان های کشور دارند.



امید به زندگی در بدو تولد مردان



امید به زندگی در بدو تولد زنان



پی نوشت: موارد فوق آخرین و جدید ترین آماری است که به تاگی در سالنامه آماری کشور منتشر شده است

سیاستِ مهمان‌نوازی

فراز و نشیب زندگی مهاجران مقیم مشهد در گفت وگو با علی قاسمی، مدیرکل اتباع و مهاجران خارجی استانداری خراسان رضوی



عجیب و غریبی دارد. در روند این کار همسر افغانستانی باید برود و از کنسولگری افغانستان گواهی تجرد بیاورد. باتوجه به شرایط امروز افغانستان، کنسولگری هم در دادن خدمات به اتباع کشور خود منع ها و محدودیت های بسیاری دارد. مردم جای دولت، آیا این شرایط موجب کنندی در ارائه خدمات می شود یا نه؟ بدون بررسی شناسنامه صادر کنیم؟ بدیهی است وقتی شناسنامه بدیم در قبال آن فرد مسئولیت داریم اما مدت هاست که کنسولگری افغانستان پاسپورتی صادر نمی کند و ما برای رسیدگی به پرونده فرزند پدر افغانستانی هیچ مدرکی نداریم. چطور تشخیص بدیم که فردی بدون مدرک هویتی پدر یک فرزند است. بخشی پرونده های مادر این حوزه متوقف شده اند. عذرخواهی می کنم از اتباع اما اگر این روند ها طی نشود، ما هیچ مدرک قانونی برای تعیین نسبت یک تبعه خارجی با فرزندی که متقاضی شناسنامه است، نخواهیم داشت.

پس روند کلی کار متوقف نشده است؟

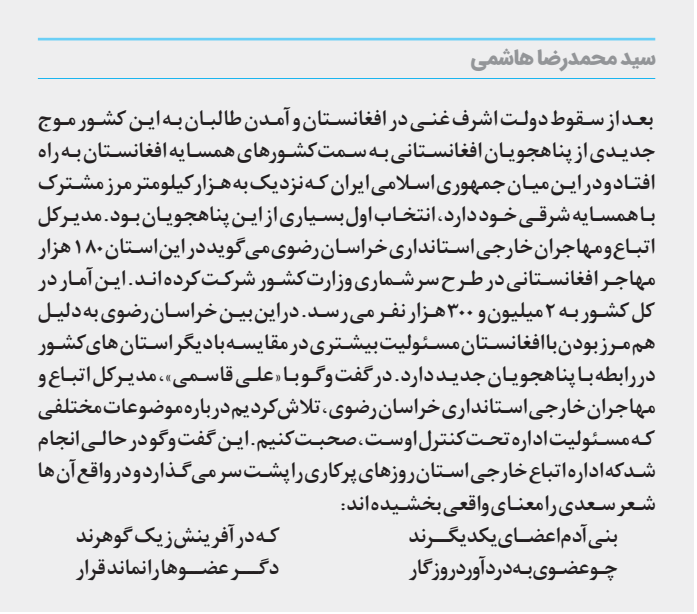
خیر. ضمن اینکه هر نهادی که پرونده به دستش می رسد، باید برود و در باره جزئیات تحقیق کند اما بخشی از تاخیرها هم به مشکلاتی برمی گردد که حا کمیت افغانستان ثابت احوال داریم پرونده به پرونده با رفع نواقص به پیش می رویم. روند اعطای شناسنامه به فرزندان مادران ایرانی به هیچ عنوان متوقف نشده اما روند پاسخ دهی ها کند شده است.

با این تفصیلات کار چند نفر انجام شده است؟

نمی شود عدد دقیقی اعلام کرد، چون خیلی از پرونده ها در فرایند صدور هستند.

طرح سرشماری اتباع افغانستانی غیرمجاز که همین چند روز پیش به پایان رسید، چه آمارهایی را در استان خراسان رضوی مشخص کرد؟

طرح سرشماری اتفاق مهم و خوبی بود که در دولت آقای رئیسی رخ داد، طرحی که در لحظه ای به مهاجران مدرک می داد. در گذشته به افرادی که سرشماری می شدند تنها یک برگه و یک کد خانواده مجازی داده می شد، اما در سرشماری امسال به مزایا و دردها بود اما ما مدرک داده شد. دولت های مختلف زیر بار موضوع سرشماری مهاجران غیرمجاز نرفتند یا اگر رفتند در مرحله ای به مشکل خوردند و کار به نتیجه نرسید، تا اینکه در دولت فعلی این کار انجام شد. هر چند این سرشماری برای تازه وارد ها بود اما اتباع قدیمی را هم داشتیم و خدا را شکر جمعیت زیادی از هر دو گروه آمدند. تبعه افغانستانی ای نبود که نداند این روزها سرشماری در حال انجام است. ما از همه ظرفیت های که در اختیار داریم برای اطلاع رسانی استفاده کردیم. خود من در مسیر اداره به ایست کارهای شهر می رفتم و به عنوان یک شهروند ایرانی از افغانستانی ها سؤال می کردم که در طرح سرشماری شرکت کرده ای؟ و آن ها را برای شرکت در آن تشویق می کردم. ما ۱۸۰ هزار تبعه خارجی بدون مدرک در این طرح شرکت کرده اند. اما این عدد واقعی نیست. این دو دلیل دارد. استقبال خوب



داشته باشد. سازمان ملی مهاجرت به این دلیل تشکیل می شود که همه ادارات ذیل یک مجموعه قرار بگیرند تا همان طور که تفکر کلی در برابر مهاجران واحد و مثبت است، سیاست و قوانین هم یکی شوند. یکی از مشکلات جدی ای که داشتیم در حوزه خدمات به پناهندگان به همین دلیل است که قوانین به روز رسانی نشده اند. امروز مهاجران به خدماتی نیاز دارند که شاید در دوره های قبل یا به صلاح نبوده اند یا به مهاجران اجازه استفاده از آن ها داده نمی شده است، اما امروز این ها باید به روز رسانی شود. مثل قوانین اعطای گواهی نامه. ما خودمان قائل به این هستیم که باید به همه مهاجران واجد شرایط گواهی نامه داده بشود، زیرا بخشی از جامعه هستند و کنار ما زندگی می کنند و به گواهی نامه نیاز دارند. اگر استفاده از ظرفیت فارغ التحصیلانی که در دانشگاه های خود ما تحصیل کرده اند، منع قانونی دارد، باید آن را رفع کنیم، خوشبختانه چنین مواردی

همان طور که شما مطلع هستید، بناس ت «سازمان ملی مهاجرت» تشکیل شود تا سیاست گذاری، راهبری، برنامه ریزی، نظارت و سامان دهی امور اتباع و مهاجران خارجی و پناهندگان و برقراری ارتباط مؤثر با نهادها و سازمان های بین المللی توسط این سازمان جدید دنبال شود. اتفاق خوبی است اما به نظر شما این طرح به کجا می رسد؟

مهاجرت امروز در همه کشورها وجود دارد و کشورهای مختلفی تحت تأثیر جریانی جدید با نام پناهنده قرار گرفته اند. برای همین همه کشورها به دنبال این هستند که در حوزه پناهندگان سازوکاری را تعریف کنند. این سازوکار از لحاظ ساختارهای دولتی در ایران ابتدا همان «شورای افغانه» بود که بعد به دفتر اتباع تبدیل شد و سپس به اداره کل اتباع. اما نیازها هم تغییر کرد و وسیع تر شد. دیگر این شد با ساختار قبلی به این نیازها پاسخ داد برای همین بحث سازمان ملی مهاجرت از سال های پیش در دستور کار قرار گرفت. سیل

جدید مهاجرت اما تشکیل چنین سازمانی را اشتباه داده به این منجر شد که دولت به تشکیل سازمان ملی مهاجرت سرعت بدهد. ضمن اینکه نگاه خاص رئیس جمهور به موضوع مهاجران هم به تحقق این موضوع کمک شایانی می کند. به دلیل ضرورت موضوع الان دوبحث به صورت جدی پیگیری می شود. برنامه این است که این سازمان هرچه سریع تر شکل بگیرد. یک بخش آن معطوف به این می شود که سازمان در دل وزارت کشور شکل بگیرد که مقدماتش هم اکنون در حال فراهم شدن است و کار جریان دارد. یک بخش دیگر به مجلس انجام کارها و بررسی های کارشناسی بر روی طرح هستند، به همین دلیل امید داریم که به زودی این اتفاق بیفتد. در یک کلام تقریبا همه سازوکارهایش دیده شده و کار عملا به نقطه پایانی رسیده و ان شاء... به زودی شاهد تشکیل «سازمان ملی مهاجرت» خواهیم بود.

با برخی از دوستان افغانستانی که سال هادر مشهد و ایران حضور داشته اند، درباره شکل گیری این سازمان صحبت می کردم. به عقیده آن ها برخی از بندهای طرح این سازمان، خیلی آرمانی است و برایشان تصویرناپذیر بود. باورشان نمی شد که نگاه سیاست گذاران به آن ها تا این حد نلطیف

شده و ظرفیت هایشان هم دیده شده است؟

در جمهوری اسلامی ایران نگاه به حوزه پناهندگان و مهاجران افغانستانی که ۹۰ درصد مهاجران ما را تشکیل می دهند، از ابتدا مثبت بوده است. امروز مهاجر من ایرانی یکی است؛ همان درگیری های اجتماعی را داریم. این پیوستگی به حدی است که بسیاری از آن ها حتی لهجه های شهرهای ایران را گرفته اند و طوری حرف می زند که شما نمی توانید تشخیص بدهید که این بنده خدا افغانستانی است یا ایرانی. این نشان می دهد که هیچ تفاوتی در نگاه ما به افغانستانی ها پدید نیامده و این باور مثبت و اعتقاد سازنده از همان ابتدا وجود داشته است. ایران و افغانستان ضمن اینکه مشترکات بی شماری دارند. یک ریشه واحد هم دارند. این طور نیست که بگوییم نگاه جمهوری اسلامی ایران در گذشته نسبت به پناهندگان افغانستانی منفی بوده و حالا با شکل گیری این سازمان مثبت شده است. طبیعی است نوع نگاه من که با پناهندگان در ارتباط هستم با دیگری که با آن ها مرتبط نیستند فرق داشته باشد. ممکن است شخصی که به نسبت کار سازمانی خود با اتباع خارجی مرتبط نیست، نگاهی معتدل به آن ها نداشته باشد اما یقین دارم این نگاه فقط در حوزه کارش هست و همین فرد در زندگی فردی خود با مهاجران هیچ زاویه ای ندارد و حتی ممکن است رفقای مهاجر هم

شهر

۴شنبه
۱۵ آذر ۱۴۰۱
۶ دیالجه ۱۴۰۲
شماره ۳۷۷

SHAHRAANNEWS.IR

۴

جامعه